

## به مناسبت چهاردهمین سالگرد وفات زنده یاد

مهندس کاظم حسینی

تکنوکرات پاکدامن

علی شاملو

بنقل از روزنامه شرق



زنده یاد کاظم حسینی همزمان با وقوع انقلاب مشروطیت، در محله سنگلج تهران متولد شد. پدرش در کار بازار و معاملات چای بود و یک شهرنشین از طبقه کاسب به حساب می‌آمد. او مردی شریف و راستگو و بسیار مورد احترام بود. وقتی فوت کرد مردم جنازه او را از سنگلج تا بازار روی دوش بردند. حسینی در تحصیلاتش که از مدرسه کمالیه تهران شروع شد همیشه شاگرد اول بود. (به استثنای کلاس پنجم متوسطه که شاگرد دوم شد.) و این باعث خوشحالی پدر و مادرش بود. مخصوصاً وقتی در کلاس ششم متوسطه بین کلیه دانش آموزان مدارس شاگرد اول شد. در آن زمان برای تحصیلات عالی تنها دو مرکز وجود داشت یکی مدرسه طب و دیگری مدرسه حقوق. حسینی به گفته خودش به علت اینکه طب با جان مردم سروکار داشت به مدرسه طب نرفت و برای ادامه تحصیلات عالی مدرسه حقوق را انتخاب کرد و تحصیل او در این مدرسه، در جریانات ملی شدن صنعت نفت خیلی مفید واقع شد. حسینی در مدرسه حقوق که در آن زمان دهخدا رئیس و شایگان معاون آن بود نیز شاگرد اول شد. در آن سال برای اعزام محصل به اروپا مسابقه ای گذاشته شده بود که وی در آن مسابقه هم نفر اول شد. جمع تعداد محصلینی که به اروپا فرستادند ۱۰۰ نفر بود که علاوه بر حسینی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر محسن هشترودی و دکتر مصاحب هم جزء اعزام شدگان بودند. حسینی می‌گوید: «سرپرست گروه

محصلین اعزامی يك نظامی بود به نام فروهر که با من شاید به دلیل اینکه پدرم بازاری بود خیلی خشونت و بدرفتاری می‌کرد و وقتی به مقصد یعنی پاریس رسیدیم او برای اینکه رفتار خودش را با من جبران کند می‌خواست مقداری پول خارجی به من بدهد که من قبول نکردم زیرا پول گرفتن در مقابل رفتار ناشایست او را ننگ می‌دانستم. در فرانسه سرهنگ ریاضی سرپرست محصلین ایرانی بود که محصلین را برای انتخاب رشته امتحان می‌کرد و با توجه با اینکه من رتبه اول شده بودم و علاوه بر آن هم زبان فرانسه ام خوب بود، حق انتخاب اول را پیدا کردم و پس از طی دو سال عمومی به پلی‌تکنیک رفتم. در آنجا دانشجویانی از شمال آفریقا و از جمله الجزایر درس می‌خواندند و يك نفر هم محصل ویتنامی بود و یکی دو نفر هم ژاپنی بودند که از بقیه استعداد بیشتری داشتند و در همین پلی‌تکنیک با مهندس ریاحی و مهندس زیرک‌زاده آشنا شدم و بعد دو سال هم دوره مدرسه معدن را گذراندم و به همین دلیل وقتی به ایران برگشتم و به نظام وظیفه رفتم به اداره معادن منتقل شدم زیرا با اینکه در دوره خدمت نظام به افسران تویخانه درس می‌دادم ولی از کم‌کاری و بی‌کاری آنجا احساس بی‌هودگی می‌کردم. این ماجرا همزمان با حمله متفقین و اشغال ایران بود که کشیده شدن ایران به جنگ موجب ناسامانی اوضاع و ایجاد تورم شدید تا حد دوازده برابر در کشور شده بود. در این مرحله بود که من اولین قدم سیاسی را برداشتم و نامه‌ای تهیه کردم که حدود ۲۰۰ نفر دکتر، مهندس و سایر افراد تحصیلکرده امضا کردند.»

• ورود به دنیای سیاست حسییی خود را از نظر سیاسی آدم مطلعی نمی‌دانست، دوستان وی و مخصوصاً مهندس احمد زیرک‌زاده عامل اصلی کشیده شدن وی به سیاست بودند و اینها اسم وی را جزء موسسین حزب ایران گذاشتند و وی وارد مسائل سیاسی شد. در جریان ملی شدن نفت هم مهندس زیرک‌زاده وی را وارد کرد و به وی لقب شیخ المهندسین دادند. وقتی مسئله تمدید قرارداد نفت در مجلس دوره پانزدهم مطرح بود، دولت می‌خواست در روزهای پایانی مجلس لایحه قرارداد الحاقی را از تصویب بگذرانند و بدون اینکه مردم از ماجرا باخبر شوند، سروته قضیه را به هم بیاورد. حسییی می‌گوید: «در آن زمان حسین مکی نماینده مجلس و عضو حزب ایران بود و در این رابطه مهندس زیرک‌زاده، مهندس حق‌شناس و مصور رحمانی نزد من آمدند تا با اطلاعات و آماری که درباره نفت و قرارداد داری و بیلان های شرکت سابق نفت انگلیس و ایران داشتم، متن يك نطق طولانی را برای حسین مکی آماده کنم و با توجه به اینکه مدت سخنرانی نمایندگان در این زمینه محدود نبود، او چند روز باقی مانده از عمر مجلس را با این سخنرانی طولانی بگیرد و آنها نتوانند متن لایحه را در آن دوره مجلس به رای بگذارند.»

• خصایل اخلاقی حسییی حسییی از نظر اخلاقی مردی استثنایی بود. در هر کار که قبول می‌کرد به اعلی درجه دقیق بود و به راستی برای کاری که به او رجوع می‌شد سنگ تمام می‌گذاشت. اگر دقت فوق‌العاده و همت و پشتکار کم نظیر او نبود چه کسی می‌توانست از توده بایگانی شده ترازهای مالی شرکت نفت انگلیس و ایران آن همه اطلاعات جالب و ارقام ناطق پیدا کند؟ و جدولی به بزرگی يك قالیچه از آن ارقامی که هیچ‌کس نخوانده بود \_ چون چنین قراری نبود- تدوین کند؟

نه تنها در انجام وظیفه شایسته کمال اطمینان بود، حتی به عنوان مستمع آزاد وجود پربرکتی بود. حسییی به لحاظ مالی واقعاً روح بزرگوار و مستغنی داشت، حال آنکه مرد ثروتمندی نبود. نه تنها در کمال سختی و دشواری در امور جاری زندگانی، از کسی توقعی نداشت بلکه بسیار با گذشت بود. حسییی مسلمان روشنی بود که به تمام معنی مودب به آداب اسلام بود. مهندس علیقلی بیانی در این باره می‌گوید: «من هرگز از او گناهی ندیدم. اما چون به فنون مقدس‌مآبی اعتناپی نداشت مرید دینی پیدا نکرد. در کار اداری خیلی سخت‌گیر بود. بسیار ریزین بود و به اصطلاح مو را

از ماست می‌کشید. خلاصه قائل به تغافل نبود و همین روحیه، کار او را در دستگاه‌های بزرگ مشکل می‌کرد و عده ای از او رنجیده می‌شدند. هر آینه حسینی هم مثل سایر افراد بنی آدم بی عیب نبود. قطع نظر از سخت‌گیری او در کار که البته من الحیث المجموع زیان آور بود، خیلی خودرای بود. مطلبی که به کله او رفته بود اگر همه عالم جمع می‌شدند مجال بود از مغز او خارج شود. به سبب اعتماد بسیاری که به خودش داشت می‌خواست همه کارها را خودش انجام بدهد. از ویژگی‌های اخلاقی مهندس حسینی اعتقادات افراط‌گرایانه او در مسائل درون‌گرایی و معنوی بود که این خصیصه با همه سودهای زیاد، گه گاهی موجب دوری او از دوستانش می‌شد ولی در مسئله نفت این خاصیت بزرگ را داشت که نیروی او را چند برابر کرد، دلاورانه و خستگی‌ناپذیر برای خود يك رسالت قائل بود تا این کار را به سامان برساند و پایان ببرد.

• هدیه دکتر مصدق به حسینی روز های آخر سال اسفند، ۱۳۲۹ اوج قدرت سپهبد رزم آرا روزهای حساس و سرنوشت‌ساز ایران بود. به دنبال پیشنهاد ملی شدن نفت در مجلس از سوی دکتر مصدق حمله گازانبری امپریالیست‌ها، دربار و ارتجاع آغاز شد. رزم‌آرا دستور انتظار خدمت زنده یاد ابوالحسن رجبی دارنده امتیاز روزنامه «جبهه آزادی» ارگان حزب ایران را داد. در این موقع که دشمنان ایران به تخطئه مسئله ملی شدن نفت پرداخته بودند، مهندس کاظم حسینی دبیرکل وقت حزب ایران با مقاله مستند و مستدل در ۸ ستون در روزنامه جبهه آزادی (شماره ۲۸ چهارشنبه ۹ اسفند ۱۳۲۹) به دفاع از پیشنهاد رهبر ملت و پاسخ به دشمنان پرداخت و به دنبال این کوشش ملیون وقتی در ۲۲ اسفند ۱۳۲۹ دکتر مصدق درباره دو فوریت پیشنهادی در مجلس سخن می‌گوید از خدمات مهندس حسینی یاد و از او تجلیل می‌کند و به طور خصوصی نیز طی نامه ای که دو روز پس از انتشار مقاله مهندس حسینی نوشته شده ضمن تشکر از او دوربین شخصی خود را به عنوان هدیه برای وی می‌فرستد.

• حسینی چهره پشت‌پرده ملی کردن صنعت نفت کاظم حسینی، يك تکنوکرات به تمام معنی شریف و پاکدامن و معتقد به اصالت عمل و نام آشنا در صنعت نفت ایران بود. حضور شش ساله ناگزیر او در صحنه سیاست، همزمان با کودتای ۲۸ مرداد پایان یافت.

حسینی، در کابینه دکتر مصدق به معاونت و سپس قائم مقامی وزارت دارایی رسید و هم در این مقام عضو هیات مختلط برای خلع ید از انگلیسیان در صنعت نفت و عملاً مشاور دکتر مصدق در امور نفت شد چنان که در دیوان لاهه همراه دکتر مصدق بود و زمانی که دکتر مصدق برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به آمریکا رفت نیز، پس از آنکه پیشنهاد بانک جهانی را برای مهندس حسینی فرستاد و از او نظر خواست و حسینی نظر مخالف داد، به آمریکا احضارش کرد. در آنجا نیز همه جا در کنار رهبر نهضت ملی کردن نفت بود. او تا کودتا و پس از آن در دادگاه نظامی و از آن پس تا زنده بود به مصدق وفادار ماند، گرچه اهل تبلیغ و تظاهر نبود. از همین رو نامش گرامی مانده است و به عنوان یکی از برجسته‌ترین تکنوکرات های نسل جنگ جهانی دوم و یکی از مبارزان راه استقلال کشور در یادها می‌ماند. مهندس کاظم حسینی در سال‌های آخر عمر، پس از چندین سال خانه‌نشینی، در پی سکنه مغزی بیمار و زمین‌گیر شد. او در این سال‌ها توسط همسر بزرگوارش ریحانه و با نهایت دلسوزی و علاقه و احترام، پرستاری گردید. این بانوی فرشته‌خصال، علاوه بر نگهداری از شوهر بیمارش، از دوستان و عیادت‌کنندگان متعدد او نیز با کمال گشاده‌رویی پذیرایی می‌کرد. در ماه‌های آخر حیات، حال مهندس حسینی رو به وخامت گذاشت و به ناچار و بنا به توصیه پزشکان برای مراقبت ویژه به بیمارستان پاستور نو منتقل گردید، اما سرانجام به رغم همه تلاش‌ها، این مرد بزرگ پس از ۸۴ سال زندگی سازنده، خلاق و شرافتمندانه در روز دوشنبه ۷ آبان ۱۳۶۹ به سراى باقى شتافت. پیکر پاک آن

شادروان توسط انبوه دوستان و یاران او تشییع و در گورستان امامزاده عبدالله دفن شد و این پایان زندگی مردی بود که به میهنش و مردم آن عاشقانه مهر می‌ورزید و با مرگ او ایران یکی از صادق‌ترین خدمتگزاران خود را از دست داد.

منبع:  
اطلاعات این مقاله از کتاب «یادنامه مهندس کاظم حسینی» به کوشش حسین اعرابی گرفته شده است.